

دو فصلنامه علمی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهرا (س)
سال سی‌ام، دوره جدید، شماره ۲۶، پیاپی ۱۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۹/ صفحات ۶۸-۳۹
مقاله علمی - پژوهشی

نسبت‌سنجی میان زمان نگارش و موضوعات ردیه‌نگاری‌های شیعیان (تا نیمه اول قرن پنجم هجری)^۱

مهدیه پاکروان^۲

علی محمد ولوی^۳

سعید طاوسی مسرور^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰

چکیده

اگرچه عموم ردیه‌نویسی‌های متقدم از میان‌رفته‌اند، بررسی نام‌های این نگاشته‌ها مسیر جدیدی در اختیار محقق قرار می‌دهد تا به کشف و خوانش تاریخ فکری و جریان‌شناسی جامعه اسلامی بپردازد. جریان‌هایی که برخی تا به امروز نیز تعیین‌کننده بنیان‌های اعتقادی مذاهب اسلامی‌اند و لذا شناخت آنها از زوایای مختلف حائز اهمیت است. این پژوهش متکی بر منابع مکتوب و متمرکز بر ردیه‌نگاری کلامی فرق شیعی بر اساس فهرس متقدم یعنی رجال نجاشی، طوسی و فهرست ندیم است. کمیت‌سنجی اطلاعات ردیه‌ها، سنخ‌شناسی سه‌گانه برون‌دینی، برون‌مذهبی و درون‌مذهبی و فراوانی سنجی آنها از ابزار کارآمد این تحقیق‌اند که می‌توان به کمک آنها نوع منازعات حاکم بر جامعه اسلامی را سنجید. حاصل امر نشان می‌دهد که اکثر ردیه‌نگاران امامی‌اند و ردیه‌نگاری در حوزه برون‌دینی چندان مدنظر متکلمان نبوده است. در ردیه‌های برون‌مذهبی بیش از همه معتزلیان محل نقد و رد بوده‌اند و در ردیه‌های درون‌مذهبی، جریان غلات و با درصدی اختلاف، واقفی‌ها و جریان‌های مختلف امامی. تولید ردیه در قرن سوم در همه سنخ‌ها بیش از سایر قرون است که نشان‌دهنده بستر سیاسی اجتماعی مستعد در مناظرات فکری میان فرقه‌ها و شکل‌گیری

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HPH.2020.29445.1407

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

m.pakravan@alzahra.ac.ir

۳. استاد گروه تاریخ، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران: a.valavi@alzahra.ac.ir

۴. استادیار گروه فلسفه، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران: saeed.tavoosi@gmail.com

ادبیات انتقادی بین آنهاست. در قرن چهارم علی‌رغم کاهش ردیه‌نگاری، ردیه‌های برون‌مذهبی تغییری نکرده است و ردیه بر معتزلیان بیشتر نیز شده است. این نشان می‌دهد که افول دوران طلایی معتزله، بازتاب افکار و عقاید آنها را تا مدت‌ها بعد در جامعه اسلامی کم نکرد و متکلمین عقل‌گرای امامی همچنان به رد و نقد آرا آنها مشغول بوده‌اند. موضوع امامت در محوریت این ردیه‌ها قرار گرفته است. **واژگان کلیدی:** ردیه‌نگاری، فرق شیعه، منازعات کلامی، معتزله، غلات.

مقدمه

در اسلام چون دیگر ادیان، فرقه‌گرایی تحت‌تأثیر عوامل مختلف رخ داده و بازتاب آن را در کتب و رسائل هر عصر می‌توان پیگیری کرد. تحلیل عناوین کتب نیز می‌تواند به درک بهتر جغرافیای فکری هر دوره و بازسازی تاریخ آن کمک کند. قرون متقدم اسلامی نیز از این امر مستثنا نیست، خصوصاً آنکه دورانی دارای اهمیت خاص برای شناخت و درک جریان‌های فکری و رخدادهای تاریخی است؛ جریان‌هایی که تا به امروز منشأ تحول و تأثیرگذاری‌اند. تألیف کتاب از سده دوم هجری شتاب گرفت و گونه‌های مختلفی از آنها تولید شد؛ از جمله «ردیه‌نویسی». بخش شایان توجهی از آثار اسلامی در این قرون در نقد و رد یکدیگر نوشته شده است. اگرچه از منابع این دوره، آثار چندانی باقی نمانده است، بررسی نام‌های این کتب و شناخت مؤلفان آنها مسیر جدیدی فراهم می‌کند تا دغدغه‌های متفکران اسلامی و نیز روابط میان فرق و مذاهب مختلف بیشتر واکاوی و سنجش شود. این مقاله با هدف بررسی ردیه‌های کلامی شیعه و تطور آن، ارائه‌دهنده بخشی از تحقیقات جامعی است که بر روی تمام ردیه‌های سه فهرست متقدم یعنی فهرست ندیم^۱، طوسی و نجاشی انجام شده و در مقالات مختلفی ارائه خواهد شد. با در نظر گرفتن زمان وفات مؤلفان یادشده، بازه زمانی این تحقیق تا نیمه اول قرن پنجم هجری قمری در نظر گرفته شده است.

در این پژوهش ۱۷۲ عنوان ردیه کلامی از منابع یادشده استخراج و اطلاعات آنها همچون زندگی، دوره حیات و مذهب مؤلف و نیز موضوعات کتب با تکیه بر سایر منابع تراجم، طبقات، تاریخ، جغرافیا و... به‌دقت تکمیل شد، زیرا فهارس فوق اطلاعات کاملی در همه این زمینه‌ها در بر ندارد.

دغدغه اصلی این تحقیق نسبت‌سنجی میان زمان تولید ردیه‌ها با موضوعات آنها است و این امر با ابزارهای روشی چون کمیت‌سنجی اطلاعات ردیه‌ها، سنخ‌شناسی و فراوانی‌سنجی

۱. او به‌غلط به ابن‌ندیم مشهور شده است که ندیم را پدر او دانسته نه خود وی (نک. ساکت، ۱۳۳۸: ۴۲ و ۳۷-۳۳؛ ندیم، ۱۴۳۰: ۱/۱ مقدمه محقق؛ قس. انصاری، ۱۳۶۷: ۵/۴۴).

آنها محقق شده است. با بررسی موضوعات ردیه‌ها و سنخ‌شناسی‌شان بر اساس سه‌گانه برون‌دینی، درون‌دینی و درون‌مذهبی و فراوانی‌سنجی هر یک، پژوهش پیش‌رو پاسخ‌گوی این سؤالات خواهد بود:

- الف. ردیه‌های کلامی شیعی برحسب گونه‌های یادشده در ۵ قرن اول چه تطوری داشته است؟
ب. چه نسبتی میان زمان نگارش و موضوعات ردیه‌نگاری‌های شیعیان وجود دارد؟
حاصل این تحقیق می‌تواند راهگشای محققانی باشد که به دنبال خوانش عمیق‌تر تاریخ اندیشه‌های کلامی و فراز و نشیب‌های جریان‌های تاریخی پنج قرن اول جامعه اسلامی‌اند.

واژگان و تعاریف تحقیق

ردیه‌نویسی: ردیه از ریشه «ر د د» و از معانی آن، برگرداندن است؛ مثلاً او را به خانه برگرداند یا جواب او را به او بازگرداند. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۳/ ۱۷۲-۱۷۳) ردیه‌نویسی، گونه‌ای نوشتار است که مضمون اصلی آن اثبات ابطال عقیده یا مدعایی خاص است. در تمدن اسلامی، ردیه‌نویسی سنت رایجی بوده است، هم در مواجهه با ادیان و مذاهب دیگر و هم در بحث و مناقشه با افراد و افکار رقیب. اصطلاح رد و مترادف‌هایش در سنت نویسندگان مسلمان بر درجات مختلفی از برخورد با آرای دیگران دلالت دارد و گاهی به معنایی نزدیک به نقدهای متعارف کنونی، به کار رفته است. مفهوم ردیه از این حیث با معنای لغوی «رد» مناسبت دارد که در ردیه‌نویسی کوشش می‌شود در جدال با خصم یا مخالف، مدعای او یا ادله‌ای که او به سود خویش اقامه کرده است، به خودش رد، یعنی بازگردانده شود. این کوشش در مرتبه‌ای دیگر معطوف به بازگرداندن یا راندن مدعی از موضع خویش است. همین تعبیر از رد در تعریف جدل به کار رفته است، همچنان که ردیه‌نویسی صورتی از جدل را تشکیل می‌دهد و از این رو در برخی از فنون بحث با مناظره شفاهی اشتراک داشته است. (انواری، ۱۳۹۳: ج ۱۹) کلماتی چون «الرد علی»، «التقض»، «ابطال» و «فضائح» بر ردیه‌بودن دلالت دارند.

ردیه‌ها در این تحقیق سنخ‌شناسی و در سه دسته جای گرفته‌اند که به تعریف آنها می‌پردازیم: ردیه برون‌دینی: ردیه‌هایی است که بر ادیان یا آیین‌های غیر اسلامی نوشته شده‌اند؛ مانند ردیه‌ها بر ادیان ابراهیمی یعنی یهود و مسیحیت یا ردیه‌ها بر ادیان غیر ابراهیمی؛ مانند زرتشت، براهمه و... همچنین ردیه بر مشرکان و زنادقه؛

ردیه درون‌مذهبی: به نقل شهرستانی شیعه طایفه‌ای‌اند که مشایعت مرتضی علی (ع) کردند و قائل به امامت و خلافت ایشان‌اند به نص روشن یا پوشیده یا به وصیت (شهرستانی، ۱۴۱۵: ۱/ ۱۶۹). شیعه دارای فرقه‌های مختلفی است و در این تحقیق امامیه اثنی عشریه، زیدیه،

اسماعیلیه، قرامطه، فطحیه، واقفیه و غالیان که در مذهب ردیه‌نگاران یا ردشدگان دیده می‌شود ردیه‌های درون‌مذهبی نامیده شده است. غلو به معنی تجاوز از حد و حدود هر چیز است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۱۳). غلاه یا غالیه اسم عام جهت فرقی است که در حق ائمه خود به حدی غلو می‌کردند که آنها را از دایره مخلوقیت بیرون برده و به سرپرده الوهیت رساندند. علاوه بر آنکه باورهایی چون تناسخ نیز در میان آنان وجود دارد (شهرستانی، ۱۴۱۵: ۱/ ۲۰۳-۲۰۴). این جریان در فراخ‌ترین نوع خودهنجارهای اسلامی بودن را نیز شکسته و در این تحقیق اگر در سنخ درون‌مذهبی لحاظ شده است به این دلیل است که آنها خود را به علی (ع) و ائمه منتسب دانسته و حول محور این شخصیت‌ها آرا غلوآمیز خود را مطرح و پیروانی جذب کرده‌اند. به عبارتی این جریان اگرچه طیفی است، در فراخ‌ترین نوع خود حتی از هنجارهای اسلامی عبور کرده است تا چه رسد به اعتقادات شیعی، ولی به دلیل خودپنداری آنان در بدنه شیعی و بهره‌گیری‌شان از ائمه در این گروه به شمار آمده‌اند. همین تحقیق و بالابودن آمار ردیه‌ها بر آنان به خوبی نشان می‌دهد که به حاشیه‌راندن و غیریت‌سازی با این جریان از اهم دغدغه‌های نخبگان بوده است؛

ردیه برون‌مذهبی: ردیه‌هایی که در حوزه اسلام و بر فرق، افراد یا کتبی غیر از شیعی نگاشته شده در سنخ برون‌مذهبی قرار گرفته‌اند.

پیشینه تحقیق

اگرچه در کتب فرقه‌شناسی و نیز معرفی مشاهیر و متکلمان به آثار آنها از جمله کتب ردیه اشاره شده است، تحقیق مستقلی بر ردیه‌نگاری بر اساس فهارس متقدم صورت نگرفته است. البته دو مقاله در این موضوع حائز توجه است: ۱. مقاله «سلسله‌ای از ردیه‌نویسی‌ها میان زیدیان و اسماعیلیان» از حسن انصاری که در سایت ایشان منتشر شده و نویسنده برای بیان مناسبات میان زیدیان و اسماعیلیان به ردیه‌های میان آنان نیز توجه و رویکردهای آنان را بیان کرده است. این مقاله در راه‌یابی به تاریخ تقابلات این دو فرقه راهگشاست، ولی اساساً هدف آن با مقاله پیش‌رو متفاوت است؛ ۲. مقاله «ردیه‌نویسی» در دانشنامه جهان اسلام از محمدجواد انواری که در مقاله فعلی بدان استناداتی شده است. در این مدخل به گونه‌ای تقریباً مشروح به جریان ردیه‌نویسی در ۵ بخش پرداخته شده است: ۱. کلیات، ۲. ثنویت و الحاد، ۳. یهودیت، ۴. مسیحیت و دیگر ادیان، ۵. فلسفه و منطق. در هر بخش با استناد به برخی منابع و ردیه‌نویسی‌ها به جریان‌ها و تقابل‌های فکری میان آنها اشاره شده است. این مدخل در معرفی جریان‌های ردیه‌نویسی حائز توجه است و در مقاله حاضر بدان استناداتی شده، ولی اشتراک

مسیر تحقیق فعلی با مدخل فوق فقط در مقدمات و بخشی از کلیات است. به عبارتی پیشینه‌های یاد شده خلأ پژوهشی را که متمرکز بر ردیه‌نگاری باشد، پر نمی‌کند. تمرکز بر این موضوع می‌تواند در درک بهتر مناسبات مذهبی و فرقه‌ای در جامعه متقدم اسلامی و نیز فهم بهتر تاریخ اندیشه راهگشا باشد.

معرفی منابع تحقیق

برشمردن عمده ردیه‌ها در این تحقیق مبتنی بر کتاب فهرست اسماء مصنفی الشیعه است که به رجال نجاشی تألیف ابوالحسین احمد بن داود بن سعید نجاشی (۴۵۰ ق.) معروف است. البته برای تکمیل دو فهرست ندیم و طوسی نیز بررسی کامل شده‌اند. در رجال نجاشی حدود ۴۰۰۰ عنوان، اثر مکتوب همراه با اطلاعات متنوعی از مصنفات آنها معرفی شده است. این تعداد نزدیک به دو برابر آثار معرفی شده در فهرست طوسی است و همین امر گواه ارزش فهرست نجاشی در معرفی آثار شیعی قرن اول تا نیمه اول قرن پنجم هجری است. فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الأصول معروف به الفهرست تألیف محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ طوسی (۴۶۰ ق.) است که زندگی‌نامه مختصر ۹۱۲ شخصیت شیعی و حدود ۲۰۰۰ عنوان کتاب از آثار علمی آنها را ارائه کرده است. (نوری، ۱۳۸۱: ۸۸) همچنین کتاب الفهرست اثر ابوالفرج محمد بن اسحاق ندیم (۳۸۰ ق.)، (صفدی، ۱۴۰۱: ۱۹۷/۲؛ درباره تاریخ وفات وی نک. سزگین، ۱۴۱۲: ۱، ۲؛ ندیم، ۱۴۳۰: ۱۹-۱۸ مقدمه) پیشاهنگ فهرست‌نویسی (ساکت، ۱۳۶۸: ۵۳؛ منتظرالقائم و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱) و محقق بغدادی سده چهارم نیز بررسی شد. البته این کتاب منبع اصلی احصای ردیه‌های شیعیان به شمار نمی‌رود، زیرا وی تمرکزش بر آثار مؤلفان عرب بوده است و نه شیعیان؛ ولی برای تکمیل و دقت تحقیق آثار این فهرست نیز بررسی شده است.

در پنج قرن اول هجری فهرست عام دیگری که امروزه موجود باشد، در دست نیست. ۱ در میان فهرس‌ها بیان‌شده فقط نجاشی سعی در احصای آثار شیعی یا مرتبط با اهل بیت (ع) داشته است. طوسی در قیاس با نجاشی، به آثار غیر شیعیان توجه بیشتری کرده و ندیم نیز اساساً به

۱. قدیمی‌ترین فهرست موجود در دوره پس از اسلام رساله حنین بن اسحاق (۲۸۰-۱۹۴) به علی بن یحیی است که در آن آثار جالینوس را که به زبان سریانی و عربی ترجمه شده، یاد کرده است. نسخه منحصربه‌فردی از این رساله در کتابخانه ایاصوفیه به شماره ۳۶۳۱ تحت عنوان رساله الی علی بن یحیی فی ذکر ما ترجم من کتاب جالینوس بعلمه و بعض مالم یترجم موجود بوده و برگشتراسر، خاورشناس آلمانی، آن را به زبان آلمانی ترجمه و همراه با متن عربی در سال ۱۹۲۵ در لایپزیک چاپ کرده است اما این فهرست عام نیست و اختصاص به آثار ترجمه‌شده جالینوس دارد (حنین بن اسحاق، ۱۳۷۹: ۲۳ پیش گفتار محقق؛ ساکت، ۱۳۶۸: ۵۴).

فهرست‌کردن آثار جمیع مذاهب و فرق پرداخته است. بر این اساس با افزودن اطلاعات ندیم و طوسی به اطلاعات نجاشی، می‌توان به تصویر نسبتاً جامعی از آثار شیعه تا نیمه اول قرن پنجم رسید. البته ممکن است در سایر منابع اعم از رجالی، تاریخی، جغرافیایی و... به ردیه‌هایی دیگر از این دوران اشاره شده باشد، اما اولاً احصای کامل آنها نیازمند پژوهشی مستقل و زمان‌بر است و ثانیاً نظر به اصل قرارداد ۳ منبع فهرستی در این پژوهش که در واقع اصلی‌ترین منابع برای شناخت آثار هستند، به نظر می‌رسد که تعداد ردیه‌های احتمالی معرفی شده در آثار پراکنده، چندان نیازمند توجه نباشد.

با تکمیل مطالب مقدماتی پژوهش، در ادامه ذیل دو عنوان اصلی بر اساس سنخ‌ها و نیز نسبت‌سنجی میان زمان نگارش و موضوعات به بررسی ردیه‌ها پرداخته خواهد شد. در این تحقیق اگر کسی متوفای ۱۴ سال آغاز هر قرنی باشد، دوره زندگی وی در قرن قبل منظور شده، زیرا با در نظر گرفتن عمر متوسط انسان یعنی ۷۰ سال، بیش از ۵۰ سال و به عبارتی اکثر حیات آن فرد در قرن پیشین سپری شده است.

سنخ‌های ردیه‌ها

تحقیق و بررسی جامع منابع تحقیق حاکی از ۱۷۲ ردیه کلامی است. البته در موضوعات فقهی، فلسفی، ادبی و... نیز ردیه وجود دارد که مسئله این تحقیق نیست. ردیه‌ها انواع گوناگونی دارند و در این تحقیق استقرا تام صورت گرفته است. این انواع عبارتند از:

الف. ردیه‌هایی که به صورت کلی بر ادیان یا فرق نگاهشده‌اند؛ مانند الرد علی اصحاب الاثنین، فساد اقاویل الاسماعیلیه؛

ب. ردیه‌هایی که بر افراد نگاهشده‌اند؛ مانند الکلام علی الجبائی فی المعدوم.

ج. ردیه‌ها بر کتب مانند الرد علی الدامغه که ردیه‌ای است بر کتاب الدامغ اثر ابن‌راوندی.

سنخ‌شناسی سه‌گانه بر اساس دسته‌های فوق است. در دو دسته آخر مذهب فرد رد شده یا مؤلف کتاب مانند جبایی و ابن‌راوندی شناسایی و در سنخ‌شناسی لحاظ شده است.

ردیه‌های دیگری نیز در دامنه تحقیق وجود دارند که در سنخ‌شناسی سه‌گانه قرار نمی‌گیرند، اما ذیل گروه «سایر» در جدول ۱ شمارش شده است که عبارتند از:

د. ردیه‌های موضوع‌محور: ردیه‌هایی که در آن موضوع خاصی محور نقد است؛ مانند: الرد

علی اهل الاستطاعه. چنین ردیه‌هایی را نمی‌توان الزاماً در یک سنخ به شمار آورد؛

ه. ردیه‌های عمومی: ردیه‌هایی است که به صورت کلی بر آرا مخالف نگاهشده‌اند؛ مانند

الرد علی اهل الاهواء؛

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۰، شماره ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ / ۴۵

و. ردیه‌های نامعلوم: ۷ ردیه‌ای است که نگارنده علی‌رغم تحقیق نتوانست موضوع کتاب را شناسایی کند؛ مانند الرد علی من اکثر المنازله. بعد از احصا دقیق ردیه‌های کلامی و شناسایی موضوعات آنها، این منابع بر اساس سه‌گانه برون‌دینی، برون‌مذهبی و درون‌مذهبی سنخ‌شناسی و فراوانی‌سنجی شده‌اند که حاصل آن در بازه قرون مختلف ارائه شده است (جدول ۱).

جدول ۱: سنخ‌ها و موضوعات ردیه‌ها بر اساس قرن

سنخ	ردیه بر					جمع
	قرن ۲	قرن ۳	قرن ۴	نیمه اول قرن ۵	زمان	
برون‌دینی	۰	۰	۱	۰	بت پرستان	۱
	۰	۱	۱	۰	براهمه و اصحاب تناسخ	۲
	۱	۳	۰	۰	ثنویت و مجوس	۴
	۱	۰	۰	۰	زناده	۱
	۰	۱	۰	۰	مانویت	۱
	۰	۴	۰	۲	مسیحیت	۶
	۰	۲	۰	۰	یهودیت	۲
جمع برون‌دینی						۱۷
برون‌مذهبی	۰	۰	۰	۱	اشاعره	۱
	۰	۰	۲	۱	اهل سنت	۳
	۰	۳	۰	۰	حشویه	۳
	۰	۰	۰	۰	حلاجیه	۱
	۱	۳	۱	۰	خوارج	۵
	۱	۱	۱	۰	قدریه	۳
	۰	۲	۰	۰	کرامیه	۲
	۰	۰	۱	۰	کلاییه	۱
	۰	۲	۰	۰	مجبره	۲
	۰	۱	۰	۰	مرجنه	۱
	۰	۱	۰	۰	مشیهه	۱
	۵	۱۵	۲۳	۲	معتزله	۴۵
	۰	۱	۰	۰	نواصب	۱
جمع برون‌مذهبی						۶۹

سنخ	ردیه بر				
	قرن ۲	قرن ۳	قرن ۴	نیمه اول قرن ۵	جمع
درون‌مذهبی	اسماعیلیه	۰	۱	۴	۵
	امامیه	۲	۷	۲	۱۱
	زیدیه	۰	۱	۴	۵
	غلات	۱	۱۳	۳	۱۸
	فطحیه	۰	۰	۱	۱
	قرامطه	۰	۱	۲	۳
	واقفه	۰	۵	۵	۱۰
جمع درون‌مذهبی					
بیرون‌مذهبی	عمومی	۰	۲	۵	۷
	نامعلوم	۰	۲	۵	۷
	موضوع‌محور	۱	۱۳	۵	۱۹
	جمع سایر	۱	۱۷	۱۵	۳۳
جمع نهایی					
	۱۳	۸۵	۶۷	۷	۱۷۲

جدول فوق نشان می‌دهد که در قرن سوم تولید ردیه‌ها بیش از سایر دوره‌هاست. بیشترین دغدغه متکلمان شیعه نیز مواجهه با افکار و آرا دیگر مذاهب و به عبارتی برون‌مذهبی است. همه این ردیه‌ها را باورمندان امامی نگاشته‌اند، به جز دو ردیه ذیل:

جدول ۲: ردیه‌نگاران غیرامامی

نام کتاب	نام مؤلف	مذهب	موضوع کلی کتاب	سنخ	قرن
الرد علی القدریه	مقاتل بن سلیمان	زیدیه	فرق / قدریه	برون‌مذهبی	۲
الرد علی الرافضه	قاسم بن ابراهیم علوی رسی	زیدیه (منتسب به قاسمیه)	فرق / امامیه	درون‌مذهبی	۳

در میان امامیه برخی متکلمان به ردیه‌نویسی توجه ویژه‌تری نشان داده‌اند و وجود همین افراد در قرون مختلف سبب افزایش ردیه‌نگاری شده است (جدول ۳).

جدول ۳: پرکارترین ردیه‌نگاران

ردیه‌ها	جمع	سنخ موضوعات				قرن	ردیه‌نویس
		سایر	درون مذهبی	برون مذهبی	برون دینی		
۹	۱	۲	۴	۲	۲	هشام‌بن حکم	
۱۶	۲	۲	۱۰	۳	۳	فضل‌بن شاذان نیشابوری	
۱۶	۳	۴	۸	۱	۳	حسن بن موسی نوبختی	
۱۲	۳	۴	۴	۱	۳	ابوسهل نوبختی	
۲۶	۴	۳	۱۹	۰	۴	شیخ مفید	
۱۰	۳	۴	۲	۱	۴	علی‌بن احمد الکوفی	

نسبت‌سنجی میان زمان نگارش و موضوعات ردیه‌ها

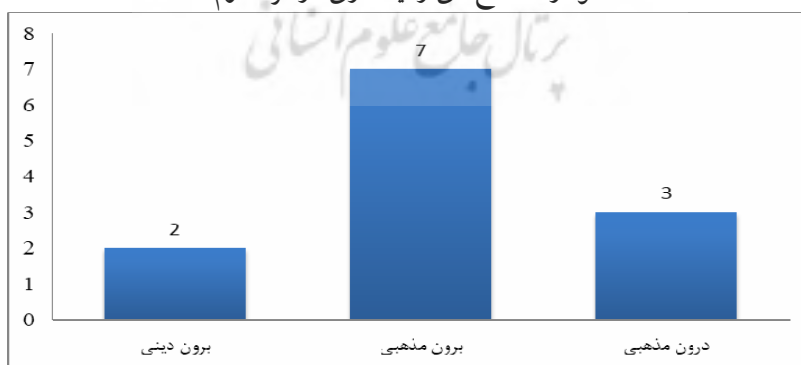
بررسی ردیه‌ها بر اساس دو متغیر قرن و موضوع، سیر تطور ردیه‌نویسی را نشان می‌دهد.

۲.۱. ردیه‌های قرن دوم

از قرن دوم ردیه‌نویسی امامیه با تولید ۱۳ متن و از سوی ۴ مؤلف در منطقه عراق کلید خورد که عبارتند از: مقاتل‌بن سلیمان (۱۵۰ ق)، هشام‌بن حکم (۱۹۹ ق)، یونس‌بن عبدالرحمان (۲۰۸ ق) و مؤمن الطاق (حدود ۱۸۰ ق).

مقاتل‌بن سلیمان که زیدی است در مقایسه با سایر مؤلفان متقدم‌تر است، اما با در نظر گرفتن تعداد ردیه‌ها شاید بتوان گفت هشام‌بن حکم با ۹ ردیه آغازگر بنای ردیه‌نویسی در امامیه است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۳۳؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۴۹۵-۴۹۳؛ ندیم، ۱۴۳۰: ۲/ ۶۳۳-۶۳۲). در این قرن ردیه‌های برون‌مذهبی از سایر سنخ‌ها بیشتر است (نمودار ۱) و معتزله بیش از سایرین نقد شده است.

نمودار ۱: سنخ‌های ردیه‌نگاری در قرن دوم



۲.۱.۱. ردیه‌های برون‌دینی

در قرن دوم تنها هشام‌بن‌حکم نگارنده ردیه‌های برون‌دینی است (درباره وی نک. ادامه مقاله). وی ۲ ردیه بر ثنویه و زنادقه دارد. زندیق واژه‌ای است که معنای دقیقی برای آن نیست، بلکه به سبب بار منفی آن همچون برچسبی برای مخالفان مذهبی اعم از مسلمان و غیرمسلمان استفاده شده است (درباره این واژه نک. فان اس، ۱۳۹۷: ۶۱۸). ردیه هشام بر زنادقه می‌تواند ناظر به آرا ابوشاکر دیصانی زندیق باشد (نک. فان اس، ۱۳۹۷: ۵۲۳-۵۲۲).

۲.۱.۲. ردیه‌های برون‌مذهبی و درون‌مذهبی

مقاتل‌بن‌سلیمان کتابی در رد قدریه دارد (ندیم، ۱۴۳۰: ۶۴۱/۲). گفتمان جبر و اختیار از گفتمان‌های مطرح در قرون متقدم جامعه اسلامی است و در ردیه‌نگاری نیز پربسامد است. متکلمان غیر شیعی قرن دوم نیز در موضوع قدریه ردیه نگاشته‌اند و احتمالاً مقاتل متأثر از آنها بوده است: عمروبن‌عبید (۱۴۴ ق) و بشربن‌معتمر (۲۱۰ ق) از معتزلیان، ابراهیم‌بن‌اسحاق اباضی (۱۴۵ ق) و یمان‌بن‌رباب از متکلمان خوارج و نیز ابوحنیفه (۱۵۰ ق). در مقابل برخی نیز مانند ابوبکر اصم (۲۰۱ ق) بر جبرگراها ردیه دارند و این موضوع در قرون بعدی نیز ادامه دارد. از ۹ ردیه هشام‌بن‌حکم، ۵ اثر آن برون‌مذهبی است و به‌جز یک کتاب که در رد منکر وصایت در امر امامت و موضوع‌محور است، بقیه متمرکز بر رد آرا معتزلیان است. البته کتاب وی با عنوان الرد علی من قال بامامه المفضول ناظر بر آرا زیدیه نیز هست، ولی به‌دلیل مناظرات هشام با معتزله و کتبی که در رد معتزلیان نگاشته برای این ردیه وجه برون‌مذهبی لحاظ شده است.

هشام از اصحاب برجسته امام صادق(ع) و امام کاظم(ع) بود (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۴۵ و ۳۱۸) و روایاتی نیز در مدح وی از ائمه رسیده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۷۲). ندیم او را از متکلمان برجسته و زبردست شیعه بر شمرده که به پرورش بحث امامت در تشیع پرداخت، آن را تنقیح کرد، در این فن بسیار حضور ذهن داشت و حاضر جواب بود. هشام با صاحبان مکاتب در بغداد، بصره و کوفه به مناظره می‌نشست (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳: ۳۱۰/۱). هشام‌بن‌حکم پیشوای یکی از جریان‌های متقدم امامیه است که بعد از وی شاگردانش راه او را ادامه دادند. در میان اصحاب امام صادق(ع) تفاوت‌های اندیشه‌ای وجود داشت که منجر به تضارب آرا میان آنها بود. برخی محققان با در نظر گرفتن تاریخ اندیشه کوفه و آرا افراد شاخص، به چند جریان فکری در میان شیعیان اشاره کرده‌اند؛ از جمله: جریان هشام‌بن‌حکم و یارانش به‌ویژه یونس‌بن‌عبدالرحمان (در بغداد) و بعدها فضل‌بن‌شاذان (در نیشابور)؛ جریان اکثریت که

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۰، شماره ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ / ۴۹

نمایندگان اصلی آن را هشام‌بن‌سالم و مؤمن‌الطاق گفته‌اند و پیشینه آن در نظریات کسانی چون عبدالله‌بن‌ابی‌یعفور، ابان‌بن‌تغلب و خاندان اعین نیز شناسایی شده است و جریان خطاییه و غلات که مشهورترین آن ابوالخطاب‌اسدی است (نک. گرامی، ۱۳۹۶: ۱۲۱-۱۱۷؛ چلونگر و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۲-۷۸).

هشام‌بن‌حکم به دلایل مختلف از جمله اتهام تجسیم در معرض نقد، هم از سوی شیعیان و هم سایر مذاهب قرار داشت (نک. گرامی، ۱۳۹۱: ۱۶۸-۱۳۷). از معتزلیان ابوبکر اصم (۲۰۱ ق)، بشر بن معتمر (۲۱۰ ق)، ابوهدیل‌علاف (۲۳۵ ق)، ابوجعفر اسکافی (۲۴۰ ق) و احمد بن یحیی راوندی (احتمالاً ۲۴۵ تا ۲۵۰ ق) و از امامیه یعقوب‌بن‌یزید بن حماد الانباری (۲۷۹ ق) و سعد بن عبد‌الله اشعری (۳۰۱) بر هشام یا شاگردش یونس ردیه نگاشته‌اند که نشان‌دهنده مطرح بودن وی و آرا او در میان معاصران خود و متکلمان بعدی است. دانشمندان در برابر نسبت تجسیم به هشام واکنش‌های متعددی داشته‌اند. بزرگان مکتب بغداد همچون شیخ مفید و شاگردش سیدمرتضی دامان وی را از این اتهام مبری دانسته‌اند (مفید، ۱۴۱۳: ۸۳-۷۷؛ سید مرتضی، ۱۴۱۰: ۸۱/۱-۸۷).

ردیه‌های درون‌مذهبی هشام بر هشام‌بن‌سالم و مؤمن‌الطاق است که دلالت بر مطالب پیش‌گفته یعنی جریان‌های مختلف فکری در میان اصحاب امام صادق (ع) دارد. مؤمن‌الطاق و یونس بن عبدالرحمان در همین قرن ردیه‌هایی بر معتزله، خوارج و غلات دارند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۴۸-۴۴۶).

داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در ردیه‌های درون‌مذهبی بیشترین منازعات فکری با غلات است (جدول ۱). جریانی که در محیط کوفه تحت‌تأثیر محیط جغرافیایی آن که در بین النهرین قرار داشت شکل گرفت و به دیگر نقاط شیعه‌نشین نیز سرایت کرد. نزدیکی این اقلیم به مرکز تفکرات گنوسی و عرفانی و رواج اندیشه‌های مانی، مزدک، عقاید مسیحی و یهودی و جنبش‌های التقاطی در این ناحیه بستری مناسب برای ظهور افکار غالبانه و نوعی هنجارشکنی فراهم کرد و البته سهم عوامل درون‌مذهبی را نیز در این پدیده نباید نادیده گرفت که پرداخت به آنها در فرصت این مقاله نیست. همچنین باید در نظر داشت که غلو چون سایر پدیده‌های فکری امری طیفی است و تا به امروز نیز آرا و اندیشه‌های مختلفی در حدود و ثغور این طیف مطرح است. فراخ‌ترین نوع این اندیشه ائمه-خدایی و همسنگ دانستن امامان با خدا بوده است. پراکندگی ردیه‌نویسی بر غلات از قرن دوم تا پنجم نشان‌دهنده گسترده‌گی این جریان فکری و به چالش کشیده شدن آن از سوی متکلمان دارد.

ردیه یونس بن عبدالرحمن بر غلات که اولین ردیه در این موضوع است، احتمالاً ناظر بر

جریان خطابی است که در همان عصر موج ایجاد کرده بود؛ زیرا پیشوای آن، ابوالخطاب، در ابتدا از یاران امام صادق (ع) به شمار می‌رفت، ولی با انحرافش یکی از مهم‌ترین فرق غالیانه را تشکیل داد و امام صادق (ع) او را ذم و لعن کرد. نضح این فرقه در اوایل حکومت بنی‌عباس بود و بعید نیست که در آن دوره‌ای که گروه‌های مختلف به دنبال کسب قدرت سیاسی بودند، ابوالخطاب نیز در پی همین هدف بود. وی با طرح اندیشه امام‌خدایی برای امام صادق (ع) و وصایت و حتی پیامبری خود و اباحی‌گری در مذهب توانست عدّه زیادی را پیرامون خود جمع کند (کشی، ۱۴۰۴: ۵۹۶/۲-۵۷۵؛ همچنین نک. صفری فروشانی، ۱۳۹۱: ۱۰۷-۱۰۴). یکی از ویژگی‌های جریان هشام و یونس را می‌توان در نگاه انتقادی دانست که به برخی احادیث و مکتوب‌های باقیمانده از امام صادق (ع) داشتند؛ زیرا به دسّ و جعل غالیانی چون مغیره بن سعید و ابوالخطاب اذعان داشتند و در روایاتی که کشی از آن دو نقل کرده است، معلوم می‌شود که آنها به دنبال بیان سنجه‌های قوی به نقل از امامان برای تمییز احادیث بوده‌اند (کشی، ۱۴۰۴: ۴۹۱/۲-۴۸۹؛ همچنین نک. گرامی، ۱۳۹۶، ۱۸۶-۱۸۳) شاید به دلیل همین دقت‌ها و نگاه نقادانه بوده است که وی کتبی مانند علل‌الحديث و اختلاف‌الحديث نیز نگاشته است (طوسی، ۱۴۲۰: ۵۱۱) بنابراین کتاب الرد علی الغلاة وی نیز می‌تواند به تبع همین رویکرد وی برای تطهیر احادیث از افکار غالیان شناسنامه‌داری چون مغیره و ابوالخطاب و جریان‌های حول آنها نگاشته شده باشد.

۲.۲. ردیه‌های قرن سوم

در میان ۲۹ ردیه‌نگار این قرن سه مؤلف یعنی فضل‌بن‌شاذان نیشابوری و ۲ نفر از خاندان نوبختیان تأثیر شایانی در کثرت ردیه‌های قرن سومی دارند (جدول ۱). این قرن نه تنها در امامیه (جدول ۱ و نمودار ۵) بلکه در میان معتزلیان نیز قرن پررونق ردیه‌نویسی است^۱ و حاکی از آن است که در این قرن منازعات کلامی میان فرق اسلامی با موج قوی‌تر پیکره جامعه اسلامی را در برگرفته است. چنان‌که در جدول ۱ دیده می‌شود ردیه‌نگاری بر معتزله نه تنها در قرن سوم، در همه دوره‌های زمانی حائز اهمیت است، از این‌رو توجه به این جریان در بحث ردیه‌نگاری ضروری است.

معتزله جریانی است که از محافل علمی روید. سر منشأ آن جریان نخبگانی است نه نهضتی مردمی، جریانی مدرسه‌ای که از فضا و دغدغه‌های توده به دور است. بی‌شک نهضت

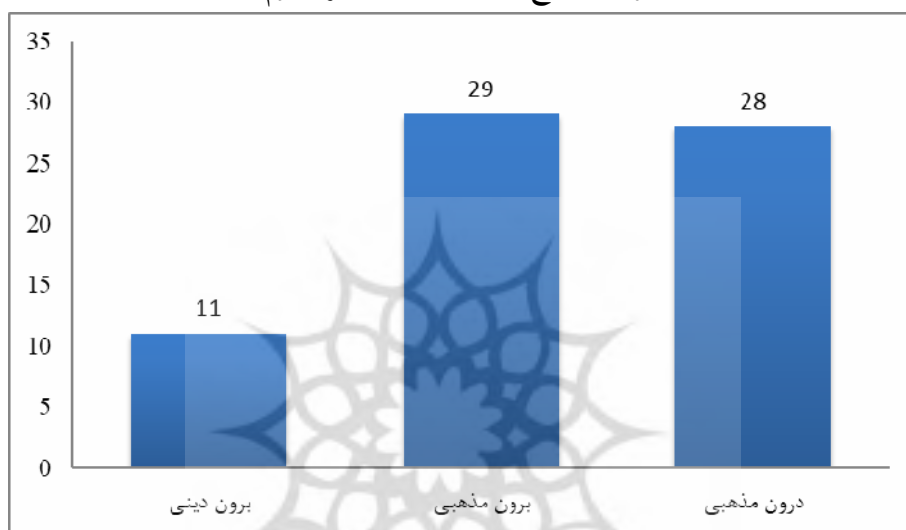
۱. چنین مقایسه‌هایی که در دیگر قسمت‌های مقاله نیز بیان شده بر اساس اطلاعات جامعی است که درباره ردیه‌ها از فهرس سه‌گانه استخراج و مقایسه شده است.

ترجمه که از اواخر قرن اول آغاز شد، در نضج و استحکام دستگاه جهان‌شناختی معتزله که مبتنی بر عقل‌گرایی بود سهم عمده‌ای داشته است. نهضت ترجمه نیز با رخدادهای سیاسی جامعه ارتباط مستقیم دارد که یکی از آنها فتوحات است. فتوحات که از دوره ابوبکر آغاز شد و در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس با فراز و فرودهای دوره‌ای ادامه یافت، سبب آمیختگی عقاید مسلمانان با دیگر ادیان و آیین‌ها شد. تلون و چندگونگی اجتماعی و آشنایی با حوزه‌های مختلف فکری، فلسفی، دینی و... ملل مغلوب یکی از پیامدهای فتوحات است. جهان‌شناسی معتزلیان ظاهراً متکی به میراث اندیشه اسلامی و فلسفه یونانی و نیز تأثیرپذیری از هستی‌شناسی ایرانی و هندی است (ولوی، ۱۳۶۷: ۲/۳۶۶). خردگرایی معتزله و تکیه بیش از حد آنان به مباحث عقلی سبب بی‌پروایی آنان به افکار بیگانه شد و بهانه خوبی به مخالفانشان می‌داد تا آنان را تکفیر کرده یا بدعت‌گذار و منحرف معرفی کنند (ابن‌عماد، ۱۴۰۶: ۳/۹۰؛ همچنین نک. ولوی، ۱۳۶۷: ۲/۳۴۸). بررسی ردیه‌نگاران فهارس نشان می‌دهد که در ۵ قرن اول همواره معتزلیان پیشتاز در ردیه‌نگاری بوده‌اند و امامیه با فاصله زیادی بعد از معتزلیان قرار داشته‌اند. امامیه و معتزله با داشتن اشتراکاتی در مبانی عقل‌گرایی از یکدیگر متأثر بوده‌اند، در عین حال با ردیه‌نگاری و به چالش کشیدن عقاید یکدیگر به حفظ و حراست از مبانی خود می‌پرداختند.

در اوایل قرن سوم مأمون (حک. ۲۱۸-۱۹۸)، به حکومت رسید. دوره مأمون و دو خلیفه بعد از وی یعنی معتصم (حک. ۲۱۸-۲۲۷) و واثق (حک. ۲۳۲-۲۲۷) دوره طلایی معتزله به شمار می‌رود. در این دوره معتزلیان به شدت به مراکز قدرت و مخصوصاً خلفای عباسی نزدیک شدند. در امور سیاسی فعال بودند و در تعیین خط‌مشی‌های فکری و سیاسی جامعه سهمیم. بیت‌الحکمه اولین مؤسسه علمی-فرهنگی تمدن اسلامی برای ترجمه آثار در زمان هارون‌الرشید (۱۷۰-۱۹۳) بنا شد و در زمان مأمون به اوج شکوفایی خود رسید (نک. جان احمدی، ۱۳۹۵: ۱۰۸-۱۰۳). او مجالسی برای مناظرات با ادیان و مذاهب نیز تشکیل می‌داد (دینوری، ۱۳۶۸: ۴۰۱). این اقدامات در کنار محیط عقل‌گرای بغداد بی‌شک در ردیه‌نویسی‌ها نیز مؤثر بوده است. بعد از واثق و با به خلافت رسیدن متوکل (حک. ۲۴۷-۲۳۲) دوره طلایی عقل‌گرایان معتزلی، افول کرد. علاوه بر آنکه متوکل از همان آغاز متعرض شیعیان نیز بود، دوره وی همراه با نفوذ عناصر ترک در دستگاه خلافت بود. آنها مردمان ساده‌دلی بودند که با مباحث عقلی چندان میانه‌ای نداشتند و این سلطه تا قرن‌ها ادامه یافت. (درباره ادوار معتزله نک. ولوی، ۱۳۶۷: ۲/۳۵۴-۳۵۳) چنین بستری البته سبب کاهش یافتن ردیه‌نگاری معتزلیان شده است، ولی متکلمین امامی این سنت را همچنان با قوت ادامه دادند.

در این قرن تعداد ردیه‌های برون‌دینی همچون قرن دوم در مقایسه با گونه‌های دیگر با اختلاف زیادی کمتر است و نشان می‌دهد متکلمان امامی این دوره بیشتر درگیر شبهات و ردود فرق اسلامی بوده‌اند (نمودار ۲).

نمودار ۲: سنخ‌های ردیه‌نگاری در قرن سوم



۲.۲.۱. ردیه‌های برون‌دینی

نگارندگان ردیه‌های برون‌دینی قرن سوم ابو عیسی وراق، فضل‌بن‌شاذان نیشابوری و افرادی از خاندان نوبختی‌اند. ابو عیسی وراق (۲۴۷ ق) پیش‌تر معتزلی بود و به امامیه گروید (تستری، ۱۴۱۰: ۱۱/۴۵۳؛ سزگین، ۱۴۱۲: قسم ۴، ۷۱/۱) بیش از بقیه صاحب تألیف در این سنخ است (۶ ردیه) و ردیه‌نویسی بر مسیحیت که او و فضل‌بن‌شاذان نگاشته‌اند، تعداد بیشتری است (۴ ردیه). با در نظر گرفتن اینکه معتزلیان بر ادیان ردیه‌های زیادی دارند، ردیه‌نگاری ابو عیسی نیز می‌تواند متأثر از آنها باشد که پیش از امامی شدن یا پس از آن نگاشته است.

۲.۲.۲. ردیه‌های برون‌مذهبی

در ردیه‌های برون‌مذهبی رد بر معتزلیان بسامد بیشتری دارد (۱۵ ردیه) و در میان آنها ۶ ردیه بر ابوالحسین احمد بن یحیی راوندی وجود دارد. ابن‌راوندی از افراد با تأمل خصوصاً در مسئله ردیه‌نویسی است. با احصا ردیه‌های سه فهرست متقدم، از سوی متکلمین مذاهب مختلف خصوصاً معتزلی‌ها بر وی بیش از بیست ردیه نگاشته شده و خودش نیز ۷ ردیه به دیگران

نوشته است. حدود نیمی از ردیه‌ها به ابن‌راوندی از ابوعلی‌جبایی و ابوالحسین‌خیاط است (ندیم، ۱۴۰۶: ۶۰۸-۶۰۶/۲ و ۶۱۱-۶۱۰؛ ندیم، بی‌تا: تکمله/۵). ندیم به نقل از ابوالقاسم بلخی (۳۱۷ق) درباره‌ی وی از تبحر علمی، دقت و جلالتش در علم کلام گفته است و بر آن است که وی در حیات معنوی خود ۳ مرحله پیموده است: ۱. ابتدا سیرتش پسندیده بود، یعنی بر راه و روش ابوالقاسم بلخی و امثال او و به عبارت بهتر معتزلی بود؛ ۲. به علل و اسبابی از معتزله روی برگرداند؛ ۳. در نهایت از آنچه کرده بود، پشیمان شد. (ندیم، ۱۴۰۶: ۶۰۱/۲) او از سوی بسیاری از علمای کلام به کفر و الحاد متهم شده است. با این همه باید در نظر داشت که معتزلیان به جهت خشم شدید خود از ابن‌راوندی، درباره‌ی او بی‌طرفی و امانت را رها کرده‌اند. بنابراین وی همچنان یکی از شخصیت‌های پیچیده‌ی کلام اسلامی است، زیرا آنچه از آرا وی مانده بیشتر از سوی مخالفانش است (نک. زریاب‌خویی، ۱۳۶۷: ۵۳۹/۳-۵۳۱). عباس میرزایی با جمع‌آوری ادله و آرا مختلف، وی را همچون استادش ابوعلی‌وری و راق از معتزلیان شیعه شده دانسته است (نک. میرزایی، ۱۳۹۷: ۲۷۷-۲۳).

علی‌رغم اختلاف آرا درباره‌ی ابن‌راوندی، این ۶ ردیه‌ی وی در شمار ردیه بر معتزلیان آمد؛ زیرا حتی اگر او امامی شده باشد این ردیه‌ها با در نظر گرفتن نام‌های آنان مربوط به آرا وی در زمانی است که امامی نبوده است. متکلمان امامی تنها در قرن سوم بر وی و کتبش ردیه نگاشته‌اند: ابوسهل نوبختی (با ۳ ردیه)، فضل‌بن‌شاذان (با ۲ ردیه) و حسن‌بن‌موسی‌نوبختی (با ۱ ردیه). توجه به موقعیت علمی سه شخصیت بیان‌شده نیز به دلیل اهمیت آنها در ردیه‌های قرن سوم ضروری است.

فضل‌بن‌شاذان صاحب کرسی فقهت و کلام از اصحاب امام جواد (ع)، امام هادی (ع) و امام حسن عسگری (ع) بود. نیشابور از قرن دوم به دلایل مختلف یکی از پایگاه‌های شیعیان به شمار می‌رود (نک. چلونگر و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷۷-۱۵۳). وجود فضل نیز یکی از عوامل درخشش حوزه شیعی نیشابور است. او را می‌توان یکی از مؤثرترین حلقه‌های فکری هشام‌بن‌حکم به شمار آورد که به نقل از خود وی ادامه‌دهنده‌ی مسیر هشام و یونس است (خویی، ۱۴۱۳: ۱۰/۱۳۷). وی در ردیه‌نویسی نیز جا پای هشام گذاشته و در همه‌ی سنخ‌ها دارای تألیف است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۰۷-۳۰۶) که نشان‌دهنده‌ی احاطه علمی وی و دغدغه‌اش در حراست از اندیشه‌های امامی است. یکی از ردیه‌های برون‌مذهبی وی بر محمدبن‌کرام (۲۵۵ ق.) پیشوای کرامیه است (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵: ۵۵/۱۲۷). این کتاب اگر از بین نمی‌رفت می‌توانست حاوی اطلاعات ارزشمند فرقی و تاریخ محلی باشد، زیرا ابن‌کرام معاصر با فضل‌بن‌شاذان بود و در نیشابور پیروان زیادی داشت. فضل در همان دوره به نقد و رد وی

پرداخته است. علاوه بر فضل، احمدبن داودبن سعید جرجانی از محدثان بزرگ اهل سنت معاصر وی که به تشیع گرایید و بیشتر عمرش در نیشابور بود نیز بر محمدبن کرام ردیه نگاشته است، او از ردیه‌نگاران پرکار قرن سوم در موضوعات فقهی و کلامی است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۵۵-۴۵۴؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۸۰-۷۹).

خاندان نوبختی از میانه قرن دوم تا پایان قرن چهارم در سیاست و فرهنگ نقش آفرینی کردند و در برهه‌ای از سده سوم و چهارم رهبری مذهبی و علمی شیعه را در دست داشتند (نک. اقبال آشتیانی، ۱۳۸۳: ۲۸۵-۲۸۴). اواسط قرن دوم به بعد حضور علمی دو تن از افراد این خاندان مشهود است که در جریان عقل‌گرایی شیعی شاخص‌اند: ابوسهل نوبختی متکلم امامی نامدار ساکن بغداد و حسن‌بن موسی نوبختی خواهرزاده‌اش که خود صاحب کرسی درسی مهمی در کلام و فلسفه بود. این دو شخصیت علمی علاوه بر ۲۸ ردیه کلامی دارای چندین ردیه در سایر موضوعات فقهی، فلسفی، منطقی و... نیز هستند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۶۴-۶۳ و ۳۲-۳۱؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۱۲۱ و ۳۲-۳۱؛ ندیم، ۱۴۳۰: ۲/ ۶۳۶-۶۳۴). در میان موضوعات متنوعی که آن دو در آن ردیه نگاشته‌اند، ردیه بر معتزلیان و برخی شخصیت‌های آن مانند ابن‌راوندی، ردیه بر واقفه و غلات در هر دو مشترک است که نشان‌دهنده درگیری متکلمان شیعی با این مقولات و اهمیت آنها دارد.

۲.۲.۳. ردیه‌های درون‌مذهبی

ردیه‌نویسی امامیه بر غالبان در قرن سوم در نقطه اوج خود قرار دارد (جدول ۱) که ۵ اثر آن در قم و ری تولید شده است. در قرن‌های دیگر در این دو شهر ردیه‌ای بر غلات دیده نمی‌شود. رواج غالبی در قرن دوم و سوم تهدیدی جدی برای مذهب امامیه به شمار می‌رفت و یکی از ویژگی‌های مکتب حدیثی قم واکنش نشان‌دادن به غالبی بود تا جایی که در این زمینه به افراط نیز کشیده شد. (حسینیان مقدم و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۷/۲-۱۷۶) سعدین عبدالله اشعری قمی، محمدبن حسن صفارقمی، محمدبن اورمه قمی در قم و علی‌بن عباس جرادینی در ری نگارندگان ردیه‌های این قرن بر غلات‌اند، اگرچه دو مؤلف آخر خود متهم به غلو هستند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۳ و ۳۳۰-۳۲۹ و ۲۵۵ و ۱۷۷). نجاشی محمدبن اورمه را به دلیل غلو مورد طعن قمیان دانسته تا جایی که برخی قصد کشتن وی را کردند، ولی وقتی او را از اول تا آخر شب در حال خواندن نماز دیدند، از قصد خود منصرف شدند. برخی نیز گفته‌اند که امام هادی (ع) نامه‌ای به اهل قم نوشت و ابوجعفر را از نسبت غلو مبرا دانست (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۲۹). چنین شواهدی گواه بر طیفی بودن مسئله غلو و تعریف و

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۰، شماره ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ / ۵۵

تحدیدهای مختلف در این جریان است. اما در مجموع توجه به جریان‌های فکری نگارندگان ردیه بر غلات که در میان آنها هم متکلمین و هم محدثین دیده می‌شوند، نشان می‌دهد که هر دو جریان عقل‌گرا و نقل‌گرا به مواجبه با این جریان بر اساس شاخصه‌های مدنظر خود پرداخته‌اند.

ردیه‌ها بر امامیه نیز در قرن سوم شایسته توجه است. (۷ ردیه) نگارندگان این ردیه‌ها به جز قاسم‌رسی که از پیشوایان زیدیان است (زرکلی، ۱۹۸۹: ۱۷۱/۵) همگی امامی‌اند و به افرادی چون هشام‌بن حکم، یونس بن عبدالرحمن و ابو عیسی و راق ردیه نگاشته‌اند. سعد بن عبدالله اشعری از فقها و بزرگان شیعه، نگارنده ۲ ردیه بر هشام و یونس است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۷۸-۱۷۷) و همچنین یعقوب بن یزید الانباری (۲۷۹) که نجاشی وی را ثقه و صدوق دانسته (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۵۰) و در زمره اصحاب ائمه نیز از وی نام برده‌اند. (خویی، ۱۴۱۳: ۱۵۷/۲۱) این امر نشان می‌دهد آرا هشام و جریانش تا حدود یک قرن بعد همچنان مطرح بوده و محل بحث و نقد در میان بزرگان شیعه قرار می‌گرفته است.

ردیه‌نگاری بر واقفه نیز از قرن سوم در میان ردیه‌های امامی‌ها دیده می‌شود (۵ ردیه). شکل‌گیری این جریان به اواخر قرن دوم و بعد از شهادت امام کاظم (ع) برمی‌گردد که گروهی از شیعیان در ایشان توقف کردند (نوبختی، ۱۴۰۴: ۸۱). قرن سوم و چهارم متکلمین امامی این جریان را به شدت نقد کردند. باید در نظر داشت که دوره حیات این فرقه چندان طولانی نبوده است و پس از دوران غیبت صغری حضور فعالی از این طایفه مشاهده نمی‌شود. بنابراین ۱۰ ردیه طی این دو قرن تعداد شایان توجهی است و چه بسا همین احتجاجات متکلمان و رد اقوال آنان زمینه از میان رفتن واقفه را فراهم کرده باشد. در میان ردیه‌ها بر واقفه یک تألیف به نام الرد علی الطاطری فی الامامه اثر ابوسهل نوبختی دیده می‌شود. طاطری لقب علی بن حسن بن محمد طایبی جرمی است. او فقیه و از اصحاب امام کاظم (ع) بود که در شمار واقفیان درآمد و بلکه از وجوه و اعیان آنها شد که به مذهب خود تعصب شدیدی داشت (نعمه، ۱۳۶۷: ۱۴۲).

فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی دیگر ردیه‌نگار بر واقفه است که بر اسماعیلیه نیز ردیه دارد، او زمانی از وکلای امام و راه ارتباطی میان ایشان و شیعیان منطقه جبال (بخش مرکزی و غربی ایران) بود، ولی از امامیه منحرف شد. (کشی، ۱۴۰۴: ۵۲۴-۵۲۶؛ همچنین نک. جباری، ۱۳۸۲: ۶۵۷/۲-۶۵۰). این اولین ردیه امامی‌ها بر اسماعیلیه است که در قرن ۴ تعداد آن افزایش پیدا می‌کند.

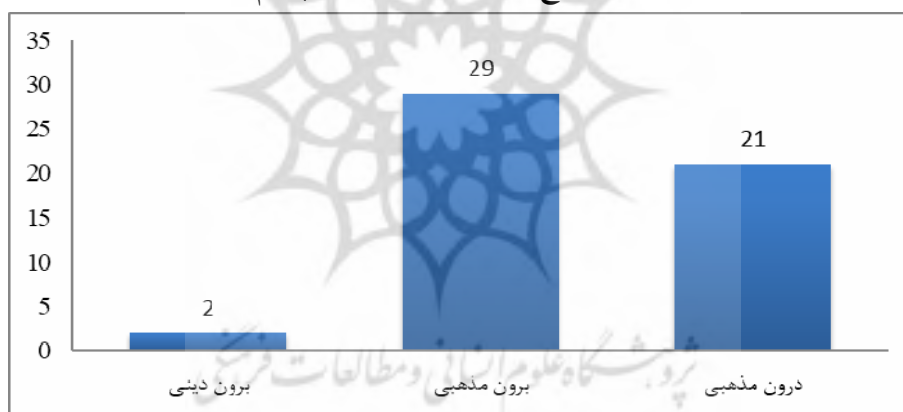
قرامطه از انشعابات اسماعیلیه است و شکل‌گیری آن به نیمه دوم قرن سوم برمی‌گردد و

فضل‌بن‌شاذان بر قرامطه ردیه دارد. با توجه به وفات فضل در ۲۶۰ق. اگر اشتباهی در انتساب این ردیه از سوی نجاشی به فضل صورت نگرفته باشد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۰۷-۳۰۶)، این کتاب در همان اوان شکل‌گیری این جریان نگاشته شده است.

۲.۳. ردیه‌های قرن چهارم

در قرن چهارم نیز ردیه‌های برون‌مذهبی بیش از سایر گونه‌هاست (نمودار ۳). در این قرن ردیه‌ها به نسبت قرن سوم در برون‌دینی و درون‌مذهبی کاهش دارد (جدول ۱)، علی‌رغم آنکه قرن چهارم با روی کار آمدن آل‌بویه (۳۲۲-۴۴۷ق) شرایط مساعدتری برای معتزلیان و شیعیان فراهم شد. شیخ مفید سهم شایان‌توجهی در این عرصه دارد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۹-۴۰۳) و بعد از وی علی‌بن‌احمدکوفی فقیه و متکلم قرن چهارم (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۵-۲۶۶).

نمودار ۳: سنخ‌های ردیه‌نگاری در قرن چهارم



۲.۳.۱. ردیه‌های برون‌دینی

الرد علی عباده الاصلام ردیه‌ای است از ابوزید بلخی (۳۲۲ق). وی ادیب، متکلم و فیلسوف و از کسانی است که می‌کوشید میان شریعت و فلسفه تلفیق کند (نک. موحد، ۱۳۷۶: ۵۰۵/۵-۵۰۲). علی‌بن‌احمدکوفی نیز ردیه‌ای بر برهمنان دارد.

۲.۳.۲. ردیه‌های برون‌مذهبی

از ۲۹ ردیه برون‌مذهبی ۲۳ ردیه با عناوینی چون النقض علی علی‌بن‌عیسی الرمانی فی الامامه، تناقض اقاویل المعتزله، نقض الامامه علی‌ابی‌علی بر معتزله یا شخصیت‌های آنان است و شیخ

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۰، شماره ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ / ۵۷

مفید در آن سهم به‌سزایی دارد. شیخ علی‌رغم کثرت ردیه‌هایش هیچ ردیه برون‌دینی ندارد و تنها سه ردیه درون‌مذهبی دارد. بنابراین اکثر ردیه‌هایش برون‌مذهبی است و از این میان ۱۵ اثرش بر افراد یا افکار معتزلیان است. این نشان می‌دهد که در عصر آل‌بویه بستر مناسبی برای رونق گرفتن منازعات فکری شیعه و معتزله فراهم بوده و شیخ عقل‌گرای امامی در موضوعات مختلف به نقد و رد افکار و آثار آنان پرداخته است.

ردیه‌های ابن‌قبه‌رازی (اوایل قرن ۴) در ری از حوزه جبال نیز به‌عنوان ردیه‌هایی میان امامیه و معتزله شایسته توجه است. ابوالقاسم بلخی از متکلمین معروف معتزلی (۳۱۹ ق) است و ابن‌قبه متکلم امامی است که ابتدا معتزلی بود و سپس به امامیه گروید. یکی از مباحث مهم در این دوره، پاسخ‌دادن به شبهاتی بوده که متکلمان سایر فرق بر نظریه امامت شیعه اثنی‌عشری وارد می‌کردند. ابن‌قبه در این موضوع کتابی نوشت که به الانصاف معروف بود. ابوالحسین سوسنجردی (شاگرد ابن‌قبه) نسخه‌ای از آن را به بلخ نزد بلخی برد و او کتابی به نام المسترشد فی الامامه در رد آن نوشت. ندیم از این کتاب با نام الکلام فی الامه علی ابن‌قبه یاد کرده است (ندیم، ۱۴۳۰: ۶۱۵/۲-۶۱۳)، ولی با در نظر گرفتن آثار ابن‌قبه در نجاشی کتاب او همان المسترشد است. سوسنجردی به ری بازگشت و کتاب را به ابن‌قبه داد و او بر آن ردی به نام المستثبت فی الامامه نوشت که بلخی با عنوان نقض المستثبت آن را پاسخ داد. سوسنجردی وقتی به ری رفت که این کتاب را به ابن‌قبه بدهد، وی از دنیا رفته بود (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۷۶-۳۷۵).

در قرن چهارم بیش از قرون دیگر تمرکز ردیه‌ها بر موضوع امامت است که بیش از همه مرهون تلاش‌های شیخ مفید، و سپس ابن‌قبه رازی و ابن‌مملک اصفهانی است. ابن‌مملک از متکلمان شیعی و فردی صاحب‌قدر و منزلت بود و همراه با پدرش مجالس مناظره با ابوعلی‌جبایی داشت (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۸۱-۳۸۰؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۵۴۸-۵۴۷).

۲،۳،۳. ردیه‌های درون‌مذهبی

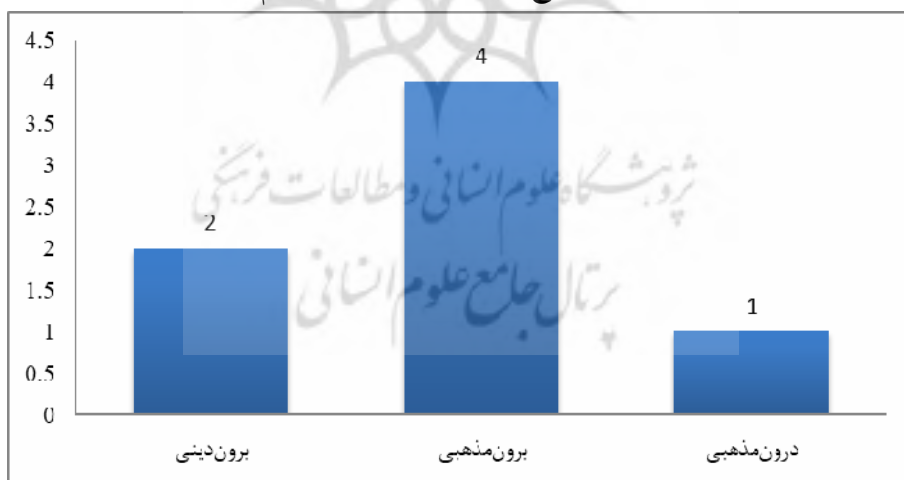
در این قرن ردیه بر اسماعیلیه از اردیه در قرن سوم به اردیه افزایش پیدا کرده است که می‌تواند متأثر از گسترش اسماعیلیان در جهان اسلام باشد. علی‌بن‌احمدکوفی، محمدبن‌ابی‌عمران‌قزوینی و محمدبن‌ابراهیم نعمانی نگارندگان آن هستند. بر فطحیه تنها یک ردیه از امامی‌ها وجود دارد که از جعفر بن محمد بجلي در این قرن است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۲۱)، او بر واقفه نیز ردیه نگاشته است. تعداد ردیه‌ها بر واقفه در مقایسه با قرن سوم تغییری نکرده است (۵ ردیه).

ردیه بر زیدیه تنها در قرن سوم و چهارم دیده می‌شود و تعداد آن در این قرن افزایش یافته است. در مقابل ردیه‌نویسی بر غلات و امامیه در مقایسه با قرن سوم کاهش پیدا کرده است. محمدبن جعفر بن عون اسدی (۳۱۲ق.) که متهم به جبر و تشبیه شده از سوی امامی‌ها یعنی شیخ مفید و حمزه بن قاسم علوی نقد شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۰۱ و ۱۴۰). محمد یکی از وکلای ارشد در عصر غیبت صغری بود (طوسی، ۱۴۲۷: ۴۳۹). با توجه به کتاب وی به نام الجبر و الاستطاعه بعید نیست وی در برهه‌ای گرایش به عقاید جبر و تشبیه داشته و بعدها به رد این عقیده پرداخته باشد یا ممکن است مشکل فهم در عقاید وی رخ داده باشد، چنانچه درباره هشام بن حکم نیز همین احتمال وجود دارد. سخن شیخ طوسی نیز دلالت بر سلامت عقیده محمد بن جعفر دارد: «اسدی در حالی فوت کرد که تغییری (در دین) ایجاد نکرد و طعنی بر او وارد نشده است.» (طوسی، ۱۴۲۵: ۴۱۷)

۲.۴. ردیه‌های نیمه اول قرن پنجم

با در نظر گرفتن وفات ندیم در اواخر قرن چهارم و طوسی و نجاشی در میانه قرن پنجم آمار ردیه‌های ثبت‌شده این قرن در این منابع به‌طور کلی پایین است (نمودار ۴).

نمودار ۴: سنخ‌های ردیه‌نگاری در قرن پنجم



در موضوع برون‌دینی دو ردیه از سیدمرتضی شاگرد شیخ مفید در رد بر یحیی بن عدی که از متکلمان مسیحی است نگاشته شده است. سیدمرتضی دو ردیه برون‌مذهبی هم دارد که یکی از آنها کتابی است در نقض کتاب امامت از کتاب المغنی قاضی عبدالجبار به نام الشافی فی الامامه

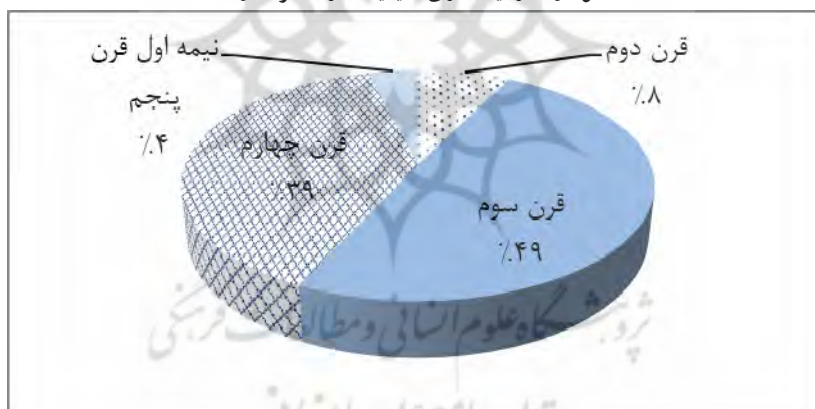
تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۰، شماره ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ / ۵۹

(نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۷۱-۲۷۰؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۲۸۸). شیخ طوسی از دیگر شاگردان شیخ مفید در همین دوره این کتاب را تلخیص کرده است (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۴۷). در گونهٔ درون‌مذهبی یک کتاب از محمدبن حسن بن حمزه جعفری تألیف شده که در رد غلات است. وی فقیه و متلکم بغداد و از شاگردان شیخ مفید و سیدمرتضی است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۰۴). همهٔ ردیه‌نگاران این دوره شاگردان مکتب عقل‌گرای مفیدند و مسیر استاد خود را در مناظرات فکری ادامه دادند.

نتیجه

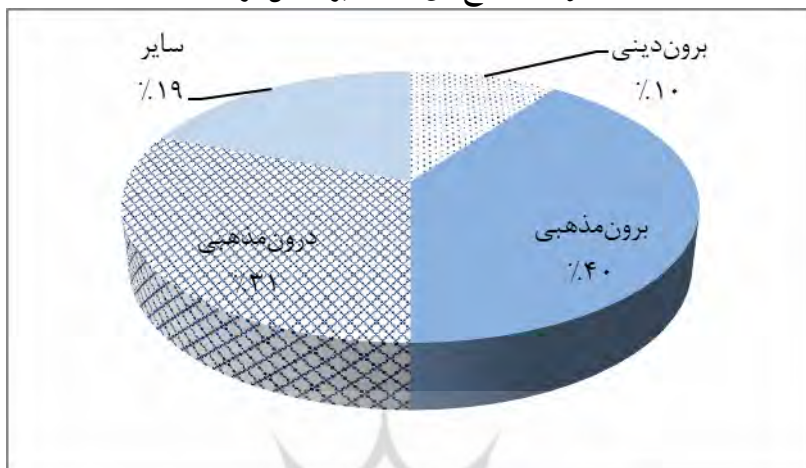
تولید ردیه‌ها در قرون مختلف، سنخ آنها و نیز تطور ردیه‌نگاری بر اساس دو متغیر زمان و موضوع در نمودارهای ۵ و ۶ و ۷ نشان داده شده است. آنچه در این مقایسهٔ نهایی حائز توجه است سه سنخ درون‌دینی، برون‌مذهبی و درون‌مذهبی است. سنخ «سایر» در این تحلیل کمتر اهمیت دارد، زیرا موضوعات مختلفی را در بر گرفته است.

نمودار ۵: ردیه‌نگاری شیعیان در ۵ قرن اول

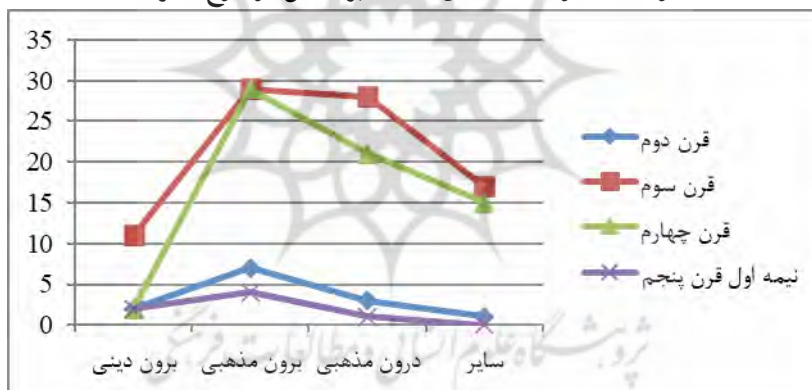


۶۰ / نسبت‌سنجی میان زمان نگارش و موضوعات ردیه‌نگاری‌های شیعیان ... / مهدیه پاکروان و ...

نمودار ۶: سنخ‌های ردیه‌ها بر اساس قرن



نمودار ۷: تطور ردیه‌نگاری شیعیان بر اساس موضوع و قرن



قرن دوم و نیمه اول قرن پنجم به لحاظ ردیه‌نویسی در سطح پایین‌تری قرار گرفته است (نمودار ۵ و ۷). قرن دوم که شروع ردیه‌نویسی است و این جریان تازه متولد شده است. قرن پنجم نیز به دلیل آنکه تا نیمه آن به تصویر کشیده شده است، آمار بالایی ندارد. در قرن سوم با رشد بالایی مواجه هستیم و در همه سنخ‌ها ردیه‌نویسی به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. این تصویر به روشنی نشان می‌دهد که در قرن سوم با افزایش فرق مختلف در جهان اسلام، ادبیات انتقادی در زمینه مناظرات مذهبی و مواجهه‌های فکری نیز بیش از سایر قرون پا به عرصه تولید گذاشته است. این امر حاکی از فضای نخبگانی است و نشان می‌دهد که بسترهای اجتماعی-سیاسی زمینه گسترده‌تری برای شکل‌گیری مناظرات کلامی و فرقه‌ای به وجود آورده

بود. ردیه‌نگاری معتزلیان و نیز تقابل فکری میان معتزله و امامیه نیز بی‌شک در این امر تأثیرگذار بوده است. قرن چهارم بعد از قرن سوم آمار چشمگیری در تولید ردیه دارد. علی‌رغم کاهش ۱۰ درصدی کل ردیه‌ها در قرن چهارم، ردیه‌های برون‌مذهبی همچنان با قوت ادامه دارد و باز ردیه بر معتزله با تفاوتی عمده بیش از سایرین است. این مسئله نشان می‌دهد که علی‌رغم افول معتزله در نیمه‌های قرن سوم، بازتاب آرا و اندیشه‌های آنان همچنان متکلمان امامی را درگیر نقد و رد آنها قرار داده بود. شیخ مفید که بیشتر عمرش را در قرن چهارم سپری کرده است، با ۱۵ ردیه بیشترین ردیه‌ها را بر معتزلی‌ها نگاشته و مسئله امامت در محوریت این ردیه‌ها قرار دارد. نه تنها در این قرن بلکه در سایر دوره‌ها نیز، ردیه‌های برون‌مذهبی بیش از گونه‌های دیگر است و ردیه بر معتزله در صدر قرار گرفته است. البته در مقایسه تعداد ردیه‌ها باید به زمان شکل‌گیری فرق و مذاهب مختلف نیز توجه کرد. به‌عنوان مثال شکل‌گیری فرقه کلابیه یا کرامیه به قرن سوم و اشاعره به قرن چهارم برمی‌گردد، حال آنکه معتزله از اواخر قرن اول حیاتش آغاز شد. بر این اساس برای مقایسه دقیق‌تر میان تعداد ردیه‌ها بر فرق مختلف، باید دوره حیات فرقه را در بازه زمانی مدنظر استخراج و بعد میان تعداد ردیه‌ها نسبت برقرار کرد، ولی تعداد ردیه بر معتزله آنقدر بالاتر است که لحاظ‌کردن زمان حیات سایر فرق و برقراری معادله باز هم در صدرنشین بودن ردیه بر معتزلیان تغییری ایجاد نمی‌کند. بعد از شیخ مفید، حسن‌بن‌موسی‌نوبختی با ۵ ردیه و هشام‌بن‌حکم کندی با ۴ ردیه تقابل فکری بیشتری در برابر معتزله داشته‌اند. عموم این ردیه‌ها در بغداد تولیدشده است که کانون اندیشه‌های مختلف و مرکزی برای جریان عقل‌گرایی اسلامی است.

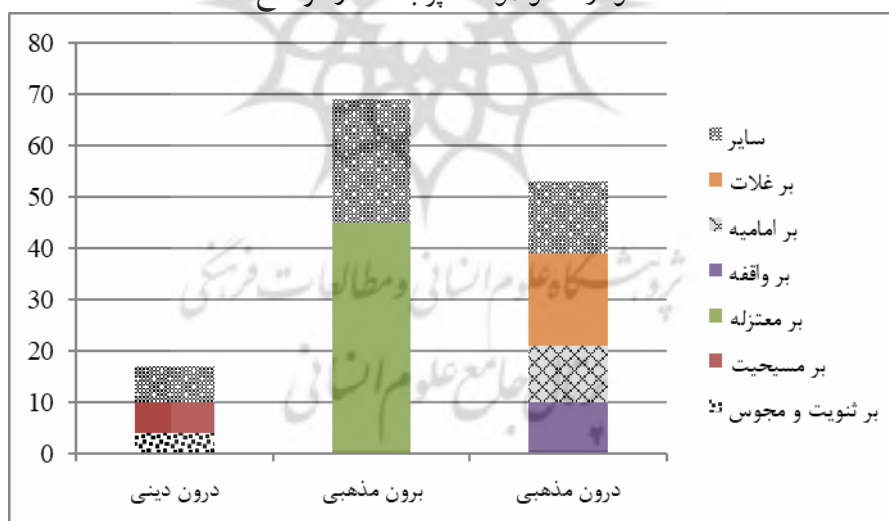
قرن سوم در تولید ردیه‌های درون‌مذهبی نیز پیشتاز است که حدود نیمی از آنها ردیه بر غلات است، اما ردیه‌های میان خود امامی‌ها هم حائز توجه است. طی قرن سوم و چهارم افرادی چون هشام‌بن‌حکم، یونس‌بن‌عبدالرحمن، هشام‌بن‌سالم، جعفر بن‌عون اسدی، مؤمن‌الطاق، علی‌بن‌ابراهیم‌بن‌هاشم، ابو‌عیسی وراق که همگی از شخصیت‌های مطرح امامی‌اند در معرض نقد و رد یکدیگر قرار گرفته‌اند که برخی از آنها مرتبط با جریان‌هایی است که بدان اشاره کردیم. در مجموع ردیه‌های درون‌مذهبی طی این ۵ قرن با اختلاف ۹ درصدی پایین‌تر از ردیه‌های برون‌مذهبی است (نمودار ۶ و ۷). یعنی تبادلات و منازعات فکری در میان امامی‌ها چندان کمتر از ادبیات انتقادی آنها در مقایسه با فرق و مذاهب دیگر نیست.

در میان ردیه‌ها کمترین توجه متکلمان به ردیه‌های برون‌دینی است. تعداد ردیه‌های برون‌دینی که تنها ۱۰ درصد ردیه‌ها را به خود اختصاص داده (جدول ۱ و نمودار ۶) نشان می‌دهد که متکلمان امامی در ردیه‌نویسی دغدغه‌شان کمتر متوجه عقاید برون‌دینی بوده است،

خصوصاً آنکه تعدادی از آنها نگاشته ابو‌عیسی وراق است که زمان نگارش آن بر اساس زمان تغییر مذهب وی روشن نیست و ممکن است پیش از امامی شدنش و تحت تأثیر معتزلیان بوده باشد.

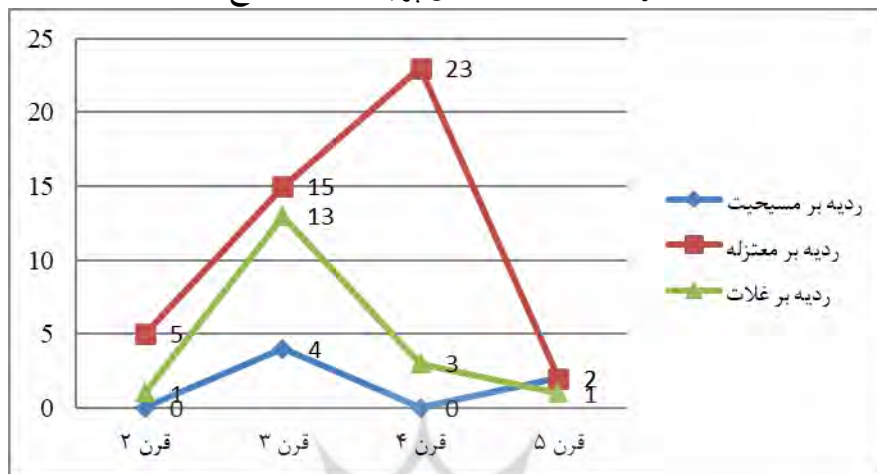
در نمودار ۸ در هر سنخ موضوعاتی که دارای بسامد بیشتری است نیز نشان داده شده است. در ردیه‌های برون‌دینی ردیه بر مسیحیت و با اختلاف کمی مجوس بیش از سایر ادیان است، اگرچه به‌صورت کلی آمار ردیه‌های برون‌دینی تعداد درخور توجهی ندارد. در ردیه‌های برون‌مذهبی بیش از همه، معتزلیان در معرض رد و نقد قرار گرفته‌اند و رد بر سایرین بسامد خیلی پایین‌تری دارند. در ردیه‌های درون‌مذهبی رد بر غلات بیشتر است و سپس بر امامی‌ها که عموماً نقدهای افرادی از امامی بر امامی است. ردیه بر واقفه گرچه به لحاظ تعداد کمتر است، باید در نظر داشت که امامیه و جریان غلو از قرن اول شکل گرفتند در حالی که واقفه مربوط به اواخر قرن دوم است. با در نظر گرفتن این تناسب بر اساس واحد زمان باید گفت که دغدغه متکلمان در رد واقفیه چندان کمتر از دغدغه‌شان در رد غلات نبوده است.

نمودار ۸: موضوعات پر بسامد در هر سنخ



پربسامدترین ردیه‌ها در هر سنخ بر اساس تطور قرنی نیز در نمودار ۹ نشان داده شده که در همه دوره‌ها ردیه بر معتزلیان گوی سبقت را ربوده است.

نمودار ۹: مقایسه ردیه‌های پر بسامد در سه سنخ



توجه به موضوعات ردیه‌ها و نگارندگان آنها در تحلیل مناسبات دقیق‌تر فرهنگی و اجتماعی در پژوهش‌هایی که به تاریخ اندیشه و جریان‌شناسی می‌پردازد، بی‌شک گامی راهگشا است و این مقاله به فراخور حجمش به اهم شاخص‌ها توجه کرده است. این مسیر همچنان نیازمند ژرف‌اندیشی و پی‌جویی است و در مقالاتی دیگر نیز بر اساس سنجه‌هایی چون مکان جغرافیایی و مذهب مؤلفان، ردیه‌ها واکاوی خواهند شد.

کتاب‌شناخت

ابن عساکر، علی‌بن‌حسن (۱۴۱۵ ق.). تاریخ مدینه دمشق، به‌کوشش علی شیری، بیروت: دارالفکر.
ابن عماد، عبدالحی‌بن‌احمد (۱۴۰۶ ق.). شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، به‌کوشش محمود و عبدالقادر ارناووط، دمشق: داربن‌کثیر.

ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم (۱۴۱۴ ق.). لسان العرب، چاپ ۳، بیروت: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
آقابزرگ طهرانی، محمد‌محسن (۱۴۰۳ ق.). الذریعه الی تصانیف الشیعه، به‌کوشش علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت: دارالاضواء.

اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۳) آل نوبخت، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
انصاری، حسن (۱۳۷۲) «ابن ندیم»، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، زیرنظر سید محمد کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی.

انواری، محمدجواد (۱۳۹۳) «ردیه‌نویسی»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۹.

تستری، محمدتقی (۱۴۱۰ ق) قاموس الرجال، چاپ ۲، قم: مؤسسه النشرالاسلامی.

جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۵) تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، چاپ ۴۱، قم: نشر معارف.

- جباری، محمدرضا (۱۳۸۲) سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه (علیهم‌السلام)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- چلونگر، محمدعلی و دیگران (۱۳۹۷) بوم‌شناسی تاریخی جریان‌های تاریخی اصحاب ائمه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینیان مقدم، حسین و دیگران (۱۳۹۳) تاریخ تشیع ۲، زیر نظر سیداحمدرضا خضری، چاپ ۹، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حنین بن اسحاق (۱۳۷۹) رساله حنین بن اسحاق الی علی بن یحیی فی ذکر ما ترجم من کتب جالینوس؛ کهن‌ترین فهرست جهان اسلام، به کوشش مهدی محقق، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک‌گیل.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۳ ق) معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، چاپ ۵، قم: مرکز نشر الثقافه الاسلامیه فی العالم.
- دینوری، احمد بن داود (۱۳۶۸) الاخبار الطوال، به کوشش عبدالمنعم عامر و جمال‌الدین شیال، قم: منشورات الرضی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق) مفردات الفاظ القرآن، به کوشش صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالقلم.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹ م). الاعلام (قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین)، چاپ ۱، بیروت: دارالعلم للملایین.
- زریاب خویی، عباس (۱۳۷۲) «ابن راوندی»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، زیر نظر سیدمحمد کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ساکت، محمدحسین (۱۳۶۸) پایگاه محمد النذیم در کتاب‌شناسی، مشهد: انتشارات جاوید.
- سزگین، فؤاد (۱۴۱۲ ق) تاریخ التراث العربی، ترجمه محمود فهمی حجازی، به کوشش عرفه مصطفی و سعید عبدالرحیم، قم: کتابخانه عمومی آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.
- سیدمرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۰ ق) الشافی فی الامامه، به کوشش سیدعبدالزهره حسینی، چاپ ۲، تهران: مؤسسه الصادق (ع).
- شبیبری، سید محمدجواد (۱۳۹۳) «رجال نجاشی»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۹، زیر نظر غلام‌علی حداد عادل، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۴۱۵ ق) الملل و النحل، به کوشش امیرعلی مهنا و علی حسن فاعور، چاپ ۴، بیروت: دارالمعرفه.
- صفدی، خلیل بن ابیک (۱۴۰۱ ق) الوافی بالوفیات، به کوشش هلموت ریتز، چاپ ۲، بیروت: دارالنشر فرانز شتاينر.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۹۱ ق) غالبان، چاپ ۳، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۲۰ ق) فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۰، شماره ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ / ۶۵

الاصول، به کوشش سیدعبدالعزیز طباطبایی، قم: مکتبه‌المحقق الطباطبایی.
_____ (۱۴۲۵ ق) کتاب الغیبه، به کوشش عبادالله تهرانی و علی‌احمد ناصح، قم:
مؤسسه‌المعارف الاسلامیه، چاپ ۳، طوسی.

_____ (۱۴۲۷ ق) رجال، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، چاپ سوم، قم: مؤسسه
النشر الاسلامی.

فان اس، یوزف (۱۳۹۷) کلام و جامعه در سده دوم و سوم هجری، ترجمه فرزین بابکی و احمدعلی
حیدری، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.

کشی، محمدبن عمر (۱۴۰۴ ق) اختیار معرفه‌الرجال، تلخیص محمدبن حسن طوسی، به کوشش محمدباقر
میرداماد و مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل‌البت (علیهم السلام) الاحیاء التراث.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ ق) الکافی، به کوشش علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
گرامی، سید محمدهادی (۱۳۹۱) «بازشناسی جریان هشام‌بن حکم در تاریخ متقدم امامیه»، مطالعات
تاریخ اسلام، سال ۴، شماره ۱۲، صص ۱۳۷-۱۶۸

_____ (۱۳۹۶) نخستین اندیشه‌های حدیثی شیعه (رویکردها، گفتمان‌ها، انگاره‌ها و
جریان‌ها)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۳ ق) الحکایات فی مخالفات المعتزلیه من العدلیه، قم: المؤتمر
العالمی للشیخ المفید.

منتظرالقائم، اصغر و سعیدی، وحید (۱۳۹۳) تبیین نقش هشام کلبی در فرهنگ و تمدن اسلامی، قم:
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

موحد، صمد (۱۳۷۲) «ابوزید بلخی»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، زیر نظر سیدمحمدکاظم موسوی
بجنوردی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

نجاشی، احمدبن علی (۱۳۶۵) رجال النجاشی، به کوشش موسی شبیری زنجانی، چاپ ۶، قم: مؤسسه
النشر الاسلامی.

ندیم، محمدبن اسحاق (۱۴۳۰ ق) الفهرست، به کوشش ایمن فؤاد سید، لندن: مؤسسه الفرقان للتراث
الاسلامی.

_____ (بی تا) الفهرست، بیروت: دارالمعرفه.

نعمه، عبدالله (۱۳۶۷) فلاسفة شیعه، ترجمه جعفر غضبان، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب
اسلامی.

نوبختی، حسن بن موسی (۱۴۰۴ ق) فرق الشیعه، چاپ ۲، بیروت: دارالاضواء.

نوری، محمد (۱۳۸۱) «اولین فهرست‌نگاری‌های شیعه»، کتاب‌های اسلامی، شماره ۸.

ولوی، علی محمد (۱۳۶۷) تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی، تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.

List of sources with English handwriting

- Ansārī, Hassan (1372), "Ebn Nadīm", The Great Islamic Encyclopedia, Under the supervision of Sayyed Moḥammad Kāẓem mūsavī bojnūrdī, Tehrān: The Center of The Great Islamic Encyclopedia, V 5.
- Anvārī, Moḥammad Jāvād (1393), "Raddīeh Nevīsī" Encyclopedia of the World of Islam.
- Āqā bozorg Tehrānī, Moḥammad Moḥsen (1403), Al-Dharī'a ilā Tāshānīf al-Shī'ite, Beirut: Dār al- Aẓvā.
- Čelongar, Moḥammad Alī and others (1397), Historical ecology of the historical currents of the companions of the Imams, Qom: Research Institute of Ḥawzah and University.
- Dīnavarī, Aḥmad b. Dāwūd (1368), al-Aḳbār al-Ṭewāl, research: 'Abd al-Mon'em 'Āmer, Qom: mānšūrāt al-raẓī.
- Ebn 'Asākir, Alī b. Hassan (1415), Tārīḳ Mādīnā Dāmišq, Beirut: Dār al-Fikr.
- Ebn 'Imād, Abd al-Ḥayy b. Aḥmad (1406), šadhārāt al-dhahab fī aḳbār man dhahab, Damišq: Dār Ebn Kaḫīr.
- Ebn Manzūr Moḥammad b. Mokarram (1414), Lisān al-'Arab, Beirut: Moassisā Maṭbū'āti ismā'īlīs.
- Gerāmī, Seyyed Moḥammad Ḥadī (1391), "Recognition the school of Hishām ibn al-Ḥakam in early Imāmīyya history", A Quarterly Journal of Historical Studies of Islam, I 12, P 137-168.
- Gerāmī, Sayyed Moḥammad Ḥadī (1396), The first Shi'ite hadith ideas, Tehrān: Imām Sādiq University.
- Hosseīnīān Moqaddm, Ḥosseīn and others (1393), The History of Shi'ism (2), Under the supervision of Sayyed Aḥmad Rezā Keẓrī, Qom: Research Institute of Ḥawzah and University.
- Ḥunayn b. Ishāq (1379), Risālat Ḥunayn b. Ishāq ila Alī ibn Yaḥyā treatise for Ali ibn Yaḥyā on works of Galen translated into Arabic, Tehrān: Institute of Islamic Studies, University of Tehrān- McGill University.
- Iqbāl Āštīānī, Abbās (1383), Āle Nobaḳt, Mašhad: Islamic Research Foundation of Āstān Quds Razavī.
- Jabbārī, Moḥammad Rezā (1382), The organization of advocacy and its role in the age of Imāms (sāzmāne vekālat), Qom: The Imām Khomeini Education and Research Institute.
- Jān Aḥmadī, Fātemeh (1395), The History of Islamic Culture and Civilization, Qom: Našr Ma'ārif
- Kišī, Moḥammad b. 'Umar (1404), Iḳtīyār Ma'rifa al-Rijāl, Qom: Āl al-Beit.
- Kolaynī, Moḥammad b. Yaḳūb (1407), Al-Kāfī, Tehrān: Dār al-Kotob al-Eslāmīyya
- Ḳūī, Sayyed Abulqāsīm (1379), Mu'jam Rijāl al-Ḥadīth tafzīl tābaqāt al-rovāt, Bījā: Bīnā.
- Montazer al- Qāem, Asḡar and Sa'idī, Vahīd (1393), Explaining the role of Hišām Kalbī in Islamic culture and civilization, Qom: Research Institute of Ḥawzah and University.
- Movaḥed, Šamad (1372), "Abū zeīd Balkī", The Great Islamic Encyclopedia, Under the supervision of Mohammad Kāẓem mūsavī bojnūrdī, Tehrān: The Center of The Great Islamic Encyclopedia, V 5.
- Mūfīd, Moḥammad b. Moḥammad b. No'mān (1413), Al-ḥikāyāt fī moḳālīfāt al-Mu'tazilite mīn al-'Adlī'ite, Qom: The World Conference for šeiḳ Al-Mūfīd.
- Nadīm, Moḥammad b. Eshāq (bītā), al-Fehrest, Beirut: Dār al-ma'refa.
- Nadīm, Moḥammad b. Eshāq (bītā), al-Fehrest, London: Al-Furqān Islamic Heritage Foundation.
- Najāšī, Aḥmad b. 'Alī (1365), Rijāl Najāšī, edited by Mūsā Šobairī Zanjanī, Qom: Moassisa

al-Naşr al-Eslāmī.

Ni'ma, Abdullāh (1367), Shī'ite philosophers, translate by Ĵa'far Ĝazbān, Tehrān: Islamic Revolution Publishing and Education Organization.

Nowbakṭī, Ḥasan b. Mūsā (1404), Feraq al-Shī'ite, Beirūt: Dār al- Azvā

Nūrī, Moḥammad (1381), "The first Shi'ite catalogs", Islamic books, I 8.

Rāqib Esfahānī, Ḥossein b. Moḥammad (1412), Mofradāt alfāz al-Qurān, Beirūt: Dār al-Qalam.

Safarī Foroušānī, Nematollāh (1391), Qālīān, Mašhad: Islamic Research Foundation.

Şafdī, Kalīl b. İbek (1401), Al-Wāfī Bi al-Wafīyāt, Beirūt: Dār al- Naşr, Franz Šteiner.

Şahrestānī, Moḥammad b. 'Abd al-kařīm (1415), Al-Milal va al-Niḥal, Beirūt: Dār al-ma'refa

Şāket, Moḥammad Ḥossein (1368), Moḥammad Al-Nadīm base in bibliography, Mašhad: Ĵāvīd Publications.

Sizgīn, Fu'ād (1412), Tārīḵ al-Turāt al-Arabī, translate by Maḥmūd fahmī hijāzī, Qom: The Āyatollāh Mar'aşī Najafī Library.

Şobeirī, Sayyed Moḥammad Ĵavād (1393), "Riĵal Najāşī" Encyclopedia of the World of Islam, Under the supervision of Qolām Alī Ḥaddād 'Ādel, Tehrān: The Encyclopaedia Islamica Foundation, V 19.

Sayyed mortazā, Alī b. Ḥossein (1410), Al-şāfi fi al-Imāma, Tehrān: Moassisa al-Sādiq (PBUH)

Tostarī, Moḥammad Taqī (1410), Qāmūs al-riĵāl, Qom: Moassisa al- Naşr al-Eslāmī

Ṭūsī, Abu ĵafar Moḥammad b. Ḥasan (1425), Al-Gayba, Qom: Moassisa al- Ma'ārif al-Eslāmīyya.

Ṭūsī, Abu ĵafar Moḥammad b. Ḥasan (1425), Qom: Maktaba al-Moḥaqiq al-Ṭabaṭabayī.

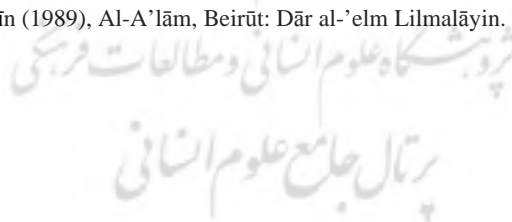
Ṭūsī, Abu ĵafar Moḥammad b. Ḥasan (1427), Riĵāl, Qom: Moassisa al- Naşr al-Eslāmī

Valavī, Alī Moḥammad (1367), History of theology and Islamic religions, Tehrān: Be'tat Publishing Institute.

Van Ess, Josef (1397), Theology and Society in the Second and Third Centuries of the Hijra, translate by Fazrīn Bābakī and Aḥmad Alī Ḥaidarī, Qom: University of Religions and Denominations.

Zaryāb Ḳūī, Abbās (1372), "Ibn Rāvandī", The Great Islamic Encyclopedia, Under the supervision of Moḥammad Kāzem mūsavi bojnūrdī, Tehrān: The Center of The Great Islamic Encyclopedia, V 5.

Ziriklī, Ḳair ad-Dīn (1989), Al-A'lām, Beirūt: Dār al-'elm Lilmaĵayin.



**A Study of the Relationship Between the Reporting Dates and the Subjects of
Shiite Rebuttal Writings (Prior to the Second Half of the Fifth Century)¹**

Mahdiyeh Pakravan²
Alimohammad Valavi³
Saeed Tavoosi Masroor⁴

Received:2019/12/26
Accepted:2020/9/10

Abstract

Although most of the earlier rebuttal writings have been lost, the study of the names of these writings provides a new path for the researcher to read and explore the intellectual history and different movements in Islamic society, some of which, even to date determine the belief foundations of Islamic denominations and therefore it is important to recognize them from different aspects. This research relies on written resources focused on theological rebuttal writings of Shi'a sects based on the earlier lists i.e. Rijal al-Najashi, Tusi, and Kitāb al-Fihrist of Nadim. Quantification of the information in rebuttal writings, extra-religious, extra-sectious, and intra-sectious typology, and their frequency measurement are the effective tools of this research, which can be used to measure the types of conflicts governing Islamic society. The results show that most of the rebuttal writers are Imami and rebuttal writings in the extra-religious field have not been considered by theologians. In extra-religious rebuttal writings, the Mu'tazilis have been subject to criticism the most and in intra-religious ones the Ghulāt, and then the W'aqifis and different Imami movements. The number of rebuttal writings of all types have been the most in the third century, indicating a susceptible sociopolitical context in the intellectual debates between different sects and the formation of critical literature among them. In the 4th century, despite the decline of production of rebuttal writings, the number of extra-religious ones has not changed and there is even a rise in the number of rebuttal writings on Mu'tazilis. This shows that the decline of the Golden Age of the Mu'tazila did not diminish the reflection of their thoughts and beliefs in Islamic society until a long time later, and Imami regional theologians continued to reject and critique their faith. The issue of Imamate is central to these rebuttal writings.

Keywords: Rebuttal writing, Shia sects, Theological conflicts, Mu'tazilism, Ghulāt.

1. DOI: 10.22051/HPH.2020.29445.1407

2. PhD Candidate in Islamic History, Al-Zahra University, Tehran, Iran.

Email: m.pakravan@alzahra.ac.ir

3. Professor in History, AlZahra University, Tehran, Iran. Email: a.valavi@alzahra.ac.ir

4. Assistant Professor, Philosophy and Theology department, Faculty of Theology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: saeed.tavoosi@gmail.com